



سرآغاز



سید مصطفی شریفی

کارشناس ارشد راه و ساختمان، (سردبیر)

به نام آن که برد به سوگند نام لوح و قلم را

۱. بار دیگر، « روز مهندسی » دیگری فرا رسید و با سپری شدن یک سال دیگر، سازمان نظام مهندسی ساختمان سی ساله شد (با در نظر داشتن دوره‌های آزمایشی)، و از عمر قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان نیز بیست و پنج سال گذشت که برای یک قانون و یک سازمان^۱ عمری دراز به شمار می‌آید، پس زینده می‌نماید تا در رخ‌نمایی بهار و سال نو به آنچه در این دوره‌ی طولانی بر ما و سازمان‌مان گذشته، باز بنگریم و با گرمی‌داشت تلاش‌های بی‌چشم‌داشت^۲ پیش‌کسوتان و پیش‌گامان و راهروان راستین این راه دراز که در تأسیس و شکل‌گیری و پا گرفتن و رشد سازمان همت گماشته‌اند و نیز با پاس‌داشت دست‌آوردهای ارزش‌مندی که در تنظیم و تنسيق امور مهندسان و خدمات مهندسی به دست آمده است و با رعایت جانب انصاف به داوری و نقد عمل کرد سازمان بپردازیم.

با مروری بر شرح اهداف، وظایف و اختیارات سازمان و هیأت مدیره‌ها در مواد ۲ و ۱۵ و ۲۱ قانون، می‌بینیم که در ۴۲ بند و دو تبصره درباره‌ی « امور مهندسی » بر این موارد تأکید شده است :

رشد و اعتلا و ارتقای دانش مهندسی در کشور، ترویج اصول معماری و شهرسازی و رشد آگاهی عمومی نسبت به آن، بالا بردن کیفیت خدمات مهندسی و کیفیت ساخت‌وسازها، وضع مقررات ملی ساختمان در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران ساختمان‌ها و فضاهای شهری، تنظیم و تنسيق خدمات مهندسی و کنترل کیفی آن، کمک به دولت‌مردان

۱. در این نوشتار واژه‌ی « قانون » به قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی و « سازمان » به سازمان نظام مهندسی ساختمان بازمی‌گردد.



**پرداختن به بعضی
از امور صنفی
مانند: تأمین شغل
و دادن سهمیه
و درآمدهای
که با توجیه رفاه
مهندسان به عنوان
دستور کار نخست
سازمانها قرار
گرفته، ما را از
فعالیت برای
دستیابی به اهداف
اصولی قانون که
«امور مهندسی»
است تا حدود
زیادی باز داشته
است.**

در سیاست‌گذاری و اجرای فعالیتهای آبادانی و عمرانی کشور و در همه حال حمایت از حقوق شهروندان و بهره‌برداران از این خدمات و البته در کنار اینها، «**امور مهندسان**» نیز از نظر دور نمانده که در ۵ - ۶ بند مانند (بندهای ۲ و ۸ از ماده‌ی ۲) و (بندهای ۷ و ۱۴ از ماده‌ی ۱۵) به حمایت از حقوق و حفظ حیثیت حرفه‌ای مهندسان اشاره شده است:

با توجه به آنچه در قانون به عنوان اهداف و وظایف سازمان آمده است، به روشنی دیده می‌شود؛ اگرچه در پهنه‌ی تنظیم و تنسيق «**امور مهندسان**» که بخش کوچکی از اهداف قانون را در برمی‌گیرد به طور نسبی دست‌آوردهایی داشته‌ایم، اما چنانچه بارها گفته‌ایم و نوشته‌ایم، پرداختن به بعضی از امور صنفی مانند: تأمین شغل و دادن سهمیه و درآمدهای برای ساخت مهمان‌سرا و رستوران و ورزشگاه و خرید و فروش زمین و ساختمان و مشابه اینها که با توجیه رفاه مهندسان به عنوان دستور کار نخست سازمانها قرار گرفته (و با غیرانتفاعی بودن سازمانها نیز منافات دارد)، ما را از فعالیت برای دستیابی به اهداف اصلی قانون که «**امور مهندسی**» است تا حدود زیادی باز داشته است و به راستی از «**امور مهندسی**» به «**امور مهندسان**» سوگیری شده است. با توجه به این رویکرد، به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که به درستی از خود بپرسیم که:

آیا در ترویج و رعایت مقررات ملی و اصول معماری و شهرسازی و ارتقای کیفیت خدمات مهندسی تا چه میزان موفق بوده‌ایم؟ آیا تعیین سهمیه برای مهندسان و دریافت حق‌الزحمه از سازندگان ساختمانهای مسکونی برای رشته‌های نقشه‌برداری، شهرسازی و ترافیک چه تأثیری بر کیفیت شهرها و زیست‌گاه‌های مان داشته است؟ و در ارتقای کیفی شهرهای مان از دیدگاه‌های سیمای شهری، حل مشکلات ترافیکی و زیست محیطی، مانند: آلودگی‌های صوتی و تنفسی و بهداشتی و عبور و مرور پیاده‌ها که به طور مستقیم با سلامت و آسایش مردم بستگی دارد، چه کرده‌ایم و تا چه میزان پیشرفت داشته‌ایم؟ آیا همان مقدار که به امور مسکن پرداخته‌ایم، به امور شهرسازی هم توجه داشته‌ایم؟ آیا تاکنون درباره میزان رضایت‌مندی شهروندان از خدمات مهندسی سنجش و ارزیابی داشته‌ایم؟ و بسیاری از این نمونه پرسش‌های اساسی دیگر. روشن است که همه‌ی ناکامی‌ها را نمی‌توان و نباید در کارنامه‌ی سازمان‌های نظام مهندسی نوشت، چرا که پاره‌ای از کژروی‌ها به کاستی‌ها و کوتاهی قانون و آیین‌نامه‌ی اجرایی و دستورالعمل‌ها و بخشی از آنها به عدم پای‌بندی سایر سازمانها و ارگان‌های ذی‌ربط در پیروی از قانون و مقررات بازمی‌گردد و اصلاح آنها به اصلاح بنیادی قانون و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن نیازمند است.

۲. به تازگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مورد چگونگی تدوین و ترویج و بازنگری مباحث مقررات ملی ساختمان از سازمان نظام مهندسی فارس نیز نظرخواهی کرده است که در این زمینه چند نکته را باید یادآور شد:

- اصل نظرخواهی از صاحب‌نظران و سازمان، کاری ارزنده است و دعوت از رییس سازمان فارس برای شرکت در جلسه‌ی بررسی پاسخ‌ها و نتیجه‌گیری در مرکز پژوهش‌های مجلس نیز مایه‌ی امیدواری است از آن جهت که با توجه به متن نامه به نظر می‌رسد تصمیم بر این است که با روی‌کردی علمی برای رفع بعضی از نارسایی‌های موجود اقدام شود.

از سویی دیگر، مراحل مختلف تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان، تعیین حوزه‌ی شمول و کنترل و اجرای آن، مسیر ارائه‌ی پیشنهاد و تصویب تغییرات متناسب با شرایط اقلیمی و سایر ویژگی‌های هر استان و نظارت بر اجرای مقررات در مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ قانون به روشنی مشخص و مسئولان مرتبط در هر مرحله نیز به صراحت تعیین شده که در تمامی مسیر این فرآیند وظیفه و اختیاری برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در قانون دیده نشده است.

در نامه‌ی مورد اشاره دلیل ورود مجلس به موضوع را چنین ذکر کرده است: «... برخی نقدهایی که به نحوه‌ی بررسی، تهیه و تصویب مباحث مقررات ملی مطرح شده ...» که توجیهی



**مدت بسیار کوتاهی
که برای انجام یک
پژوهش علمی در
نظر گرفته شده ،
به این گمانه دامن
می‌زند که ممکن
است نتیجه‌ی
نظرخواهی ، از
پیش تعیین شده
باشد**

قانونی و قانع کننده نیست ، به‌ویژه از آن رو که در ساختار سازمانی دفتر مقررات ملی ساختمان ، واحد نظرخواهی مباحث مقررات ملی و در وزارت راه و شهرسازی « مرکز تحقیقات راه ، مسکن و شهرسازی » وجود دارد که می‌تواند با اتکا به جایگاه قانون و صلاحیت علمی در خور به این امر پردازد.

هرچند در نامه به درستی آمده است که : « انتظار بر این است که این مباحث با انجام پژوهش‌های کاربردی و توسط محققان با تجربه و ... تهیه و بررسی شوند ... » و با توجه به گستردگی فراوان مباحث مقررات ملی و نداشتن داده‌های آماری مورد نیاز در زمینه‌های گوناگون اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و اجرایی که لازمه‌ی نخست پژوهش‌های علمی و کاربردی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده است ، مشخص نیست که مرکز پژوهش‌های مجلس با چه دیدگاه علمی بازه‌ی زمانی یک هفته‌ای را برای پاسخ‌گویی ، کافی پنداشته است ؟

در ضمن بنا به تبصره‌ی ماده‌ی ۳۳ قانون ذکر شده که : « مقررات ملی ساختمان متناسب با تغییر شرایط هر سه سال یک بار مورد بازنگری قرار می‌گیرد ... » ، اما در پیوست نامه‌ی مرکز پژوهش‌ها آمده : « لازم است مباحث مقررات ملی بر اساس نیازها و شرایط کشور هر سه سال تا پنج سال یک بار بازنگری شود ! »

اگرچه با توجه به گستره‌ی پهناور و گوناگونی مباحث مقررات ملی گزاره « سه سال تا پنج سال » منطقی‌تر از مفاد تبصره‌ی ماده‌ی ۳۳ به نظر می‌رسد ، ولی با مفاد قانون مغایر است و مدت بسیار کوتاهی که برای یک پژوهش علمی کاربردی در نظر گرفته شده ، به این گمانه دامن می‌زند که ممکن است نتیجه‌ی نظرخواهی ، مانند برخی از پژوهش‌های دیگری که نمونه‌های آن را قبلاً دیده‌ایم ، از پیش تعیین شده و فرستادن نامه و تشکیل جلسه و ... برای رسمیت و اعتبار دادن به آن نتایج انجام گرفته باشد !

۳. بیش از یک سال از همه‌گیری ویروس کشنده‌ی کرونا (کووید ۱۹) می‌گذرد که در این مدت جان بسیاری از هموطنان و دیگر مردم جهان و در آن میان تنی چند از مهندسان و اعضای سازمان را نیز گرفته است. ضمن هم‌دردی با بازماندگان این عزیزان و آرزوی شکیبایی و بردباری برای آنان؛ با سپاس از گرامیانی که در خط نخست مقابله با ویروس قرار دارند و هم‌چنان به خدمت‌رسانی مشغول هستند ؛ با امید به رعایت هرچه بیش‌تر موازین بهداشتی و با آرزوی تندرستی برای هموطنان گرامی و اعضای سازمان ، محدودیت‌های بهداشتی و تغییرات تحمیلی و ناخواسته‌ای که برای محافظت جان شهروندان در همه‌ی ارگان‌ها و سازمان‌ها از جمله در سازمان فارس به اجرا درآمده است ؛ تجربه‌ی یک ساله به ما نشان داد که :

- ▶ با بهره‌گیری از برنامه‌های تدارک دیده شده می‌توان مراجعات حضوری سازمان را به کم‌ترین حد کاهش داد ؛
- ▶ می‌توان بسیاری از آموزش‌ها را به صورت مجازی و بسیاری از سمینارها را به صورت وینار برگزار کرد ؛
- ▶ می‌توان بسیاری از جلسه‌ها را به صورت مجازی تشکیل داد و اداره کرد ؛
- ▶ می‌توان نتیجه گرفت که با برنامه‌ریزی مناسب و متناسب با فعالیت‌های سازمان ، به این همه ساختمان و پرسنل و دفتر و دستک و میز و صندلی برای اداره‌ی سازمان نیازی نخواهیم داشت.

**باری دیگر ، « روز مهندسی » و پدیدار گشتن نوروز و بهاران پیشاپیش بر شما
فرخنده باد !**

